



هادیان: در جنگ‌های خاورمیانه برای خبرنگاران غربی، نوعی ماجراجویی وجود داشته. اینها موضع از بالا به پایین داشتند. بنابراین فضا را طوری ترسیم می‌کردند که انگار دو طرف کاملاً وحشی‌اند و اینها به عنوان یک ناظر بیرونی، محتوا و اخبار را تولید می‌کردند.

فاجعه

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۰ • شماره ۷۹۳

رویارویی و رقابت با خبرنگاران رسانه‌های خارجی

یک ماجراجویی بزرگ

در دوره جنگ خبرنگارهای کشورهای مختلف در مکان‌های مهم و در کنار هم حضور پیدا می‌کنند و به تولید محتوا می‌پردازند. حامد هادیان در سفرهای مختلفش با این خبرنگارها روبه‌رو شده و از آنها روایت جالبی ارائه می‌کند.

شما با خبرنگارهای خارجی جنگی در ارتباط بودید و هستید. خبرنگارهای خارجی جنگی چه انگیزه‌هایی دارند؟

بخشی از آن، جذابیت کار است. همه آن آدم‌ها در کارشان حرفه‌ای شده‌اند و حالا می‌خواهند مرزهای جدیدی را فتح کنند. کار جنگی برایشان ماجراجویی بزرگی است. بعضی برایشان آرمان است. خیلی‌ها ایشان که می‌شناسم، عکاسان ضدجنگند و اصولاً تلاش‌شان این است که علیه جنگ تولید محتوا کنند. بخشی تصور دارند کار انسانی می‌کنند. بخشی به منفعت مالی‌اش فکر می‌کنند که گرچه در ایران خیلی کمتر است ولی در رسانه‌های خارجی خیلی جدی‌تر است. برایشان شهرت هم به همراه دارد، چراکه معمولاً خبرنگارانی که در مناطق جنگی‌اند، خودشان به چهره‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند. یادم است بعد از جنگ اخیر غزه از خبرنگار الجزیره به خاطر تصاویری که الجزیره منتشر کرده بود، تقدیر کردند و برایشان یادمان گرفتند، چون خودش به عنوان یک سلاح اجتماعی علیه اسرائیل عمل می‌کرد.



بین خبرنگارهای جنگی ایرانی و خبرنگارهای جنگی رسانه‌های بین‌المللی چه تفاوتی هست؟

بین عکاسان ایرانی که هیچ تفاوتی نیست. عکاسان ایرانی واقعا درجه یک هستند. در ماجرای افغانستان که چند ماه پیش اتفاق افتاد، عکاسان ایرانی عقب‌افتادگی نداشتند و جزو چند عکاس برتر تولید عکس بودند. شاید دلیل اصلی‌اش این باشد که عکاس خیلی نیاز به پشتیبانی رسانه ندارد؛ خود عکاس است و دوربینش. عکس را هم می‌تواند به هر رسانه‌ای بفروشد. عکاسان اغلب خبرگزاری‌های دنیا در افغانستان، ایرانی‌اند چون هم زبان می‌فهمند و هم عکاسی‌شان درجه یک است اما وقتی وارد حوزه خبرنگاری می‌شویم به دلیل این که رسانه‌ها معمولاً حرفه‌ای برخورد نمی‌کنند، فرصت برای خبرنگارها ایجاد نشده است. اگر فرصت ایجاد شود، خبرنگاران ایرانی با خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی تفاوت خیلی زیادی ندارند. این فاصله بین خبرنگارها زیاد نیست اما بین سازمان‌های رسانه‌ای ما و آنها خیلی زیاد است حتی در حس کردن ضرورت تولید رسانه‌ای، مثلاً این که صداسیما این ضرورت را حس می‌کرد که یک تیم خبری در اوکراین داشته باشد. وقتی این اتفاق نمی‌افتد، خبرنگار هم این فرصت کار را پیدا نمی‌کند. در صورتی که وزارت دفاع آمریکا هم در هر کشور حضور پیدا می‌کند، خیلی از خبرنگاران مهم کشورشان را می‌برد و از ظرفیت‌شان استفاده می‌کند. در ایران هم سازمان‌های رسانه‌ای و هم نهادهای نظامی توجهی ندارند و این مسأله جزو اولویت‌هایشان نیست و به همین دلیل در حوزه خبر و گزارش تصویری خیلی ضعیف‌تریم، اما واقعا تقصیر کردن خبرنگارها نیست.

خبرنگارهای ایرانی رسانه‌های بیگانه چطور؟

چون رسانه فارسی‌زبان حرفه‌ای نداریم، معمولاً مجبورند خیلی جهت‌دار کار کنند. به همین دلیل آنها هم خیلی دست‌شان باز نیست و گزارش‌هایشان خیلی خوب از آب در نمی‌آید. چند خبرنگار داریم که در بی‌بی‌سی و... فرصت‌هایی پیدا کرده‌اند که ضربه‌ای به رسانه‌شان نمی‌زده و توانستند کاری کنند، ولی بقیه آن قدر حرفه‌ای نیستند. حتی فاصله حرفه‌ای بی‌بی‌سی فارسی با سرویس جهانی بی‌بی‌سی خیلی زیاد است و اگر بخواهیم مقایسه کنیم، بی‌بی‌سی فارسی جزو ضعیف‌ترین شبکه‌های وابسته به این رسانه است و به آن بی‌طرفی نیست. بی‌طرفی را بعضی جاها کنار می‌گذارد و این اتفاق به خبرنگارش هم ضربه می‌زند.

در جنگ‌های بزرگ اخیر که اغلب در خاورمیانه بوده برای خبرنگاران غربی، نوعی ماجراجویی وجود داشته است. اینها موضع از بالا به پایین داشتند و با این که کارشان جدی بود اما نوعی حالت توریستی هم برای آنها وجود داشت. بنابراین فضا را طوری ترسیم می‌کردند که انگار دو طرف کاملاً وحشی‌اند و اینها به عنوان یک ناظر بیرونی، چیزی تولید می‌کردند. این خبرنگاران تجربه نداشتند که در یک کشور غربی و مسیحی، این اتفاق بیفتد و خود کشورهای غربی با همدیگر درگیر شوند اما الان می‌بینند که خودشان هم آسیب می‌بینند و قاعده‌های ذهنی‌شان به هم ریخته است.

خبرنگارهایی که در جنگ فعالیت می‌کنند، خبرنگارهای عادی مستقر در آن کشورند یا صرفاً خبرنگار جنگی‌اند که وقتی درگیری رخ می‌دهد به منطقه جنگی اعزام می‌شوند؟

هر دو هست. شبیه این است که در روزنامه‌نگاری می‌گویند هرکس در کار خبر حرفه‌ای شده باشد، می‌تواند یادداشت و مقاله هم بنویسد. خبرنگاران جنگی معمولاً در کار حرفه‌ای‌اند و علاوه بر ویژگی‌های جسمی، ویژگی‌های دیگری هم دارند، مثلاً من در همین ماجرای اوکراین، خبرنگاری را دیدم که به چهار زبان صحبت می‌کرد. با این حال در خبرنگارها، کمتر خبرنگار جنگ هست اما در میان عکاس‌ها، عکاس جنگ بیشتر وجود دارد. طبعاً هر قدر تجربه، تخصص و ارتباط بیشتر شود، کار برای فرد آسان‌تر است. می‌گویند اولین چیزی که یک خبرنگار باید به آن برسد، این است که تصویر کاملی از جنگ پیش خودش داشته باشد تا بعد بتواند تولید محتوا کند. اگر بدون پیش‌زمینه و اطلاعات اولیه وارد شود، اسیر اطلاعات فیک و جوسازی ارتش‌ها می‌شود.